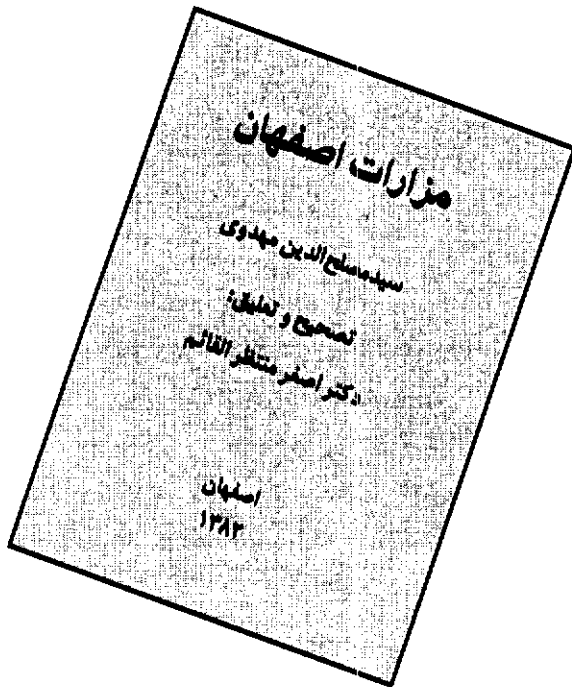


## مقدمه ای درباره ویژگی‌ها و محتوای کتاب

# تاریخ مزارات اصفهان

احمد عقیلی



مزارات اصفهان، سیدمسلم‌الدین مهدوی، تصحیح و تعلیق: دکتر اصغر منتظرالقائم، انتشارات دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۲، ۵۶۲ص، وزیری

وی در کتاب مزارات اصفهان می‌باشد. رونق آثار وی در جامعه نشان دیگری بر اعتبار کار مؤلف کتاب است.

اما درباره محتوا و متن کتاب بیان چند نکته مهم درباره این کتاب قبل از نقد مطالب آن ضروری به نظر می‌رسد:

نخست آنکه موضوعیت و لزوم نگاشته شدن چنین کتابی برای مزارات شهر اصفهان بسیار ضروری به نظر می‌رسید و این

قبل از ارائه مباحث نظری بر کتاب مزارات اصفهان و ذکر نقاط ضعف و قوت ملاحظه شده در این کتاب، ذکر این نکته ضروری است که انتقادات و ملاحظاتی که در این مقاله مطرح گردیده است به قصد تضعیف و کم ارزش دادن جلوه کتاب نمی‌باشد، بلکه برعکس به این واقعیت اذعان داریم که بدیع بودن، موضوع محوری و جایگاه عالی متن بر خواننده کتاب مبرهن و روشن است؛ بنابراین بر اصل مطالب کتاب انتقاد و ایرادی وارد نیست. آنچه مورد انتقاد و نظر است مواردی از مباحث مطرح شده در محورهای متعدد کتاب است که تصحیح آن موارد کتاب را به لحاظ صحت مطالب و اهمیت و جایگاه علمی اش برجسته خواهد نمود.

درباره شخص مؤلف با رجوع به آثار و تألیفات وی می‌توان دریافت که از پژوهشگران برجسته در موضوع رجال اصفهان است و کتاب هایش در حال حاضر از مآخذ تحقیقی معتبر و درجه اول در این باره است.

از جمله آثار وی می‌توان به حواشی بر تذکرة القبور شیخ عبدالکریم گزی یا کتاب سبیری در تخت فولاد اصفهان اشاره کرد که با مطالعه آن احاطه و تسلط مرحوم مهدوی را بر مزارات اصفهان می‌توان دریافت. آثار وی در زمینه رجال اصفهان که شمه ای از آن را در همین کتاب مزارات اصفهان شاهدیم دلیل دیگری بر امانت و اطمینان در ارجاع به مطالبش (از جهت صحت و سقم) می‌باشد.

به این لحاظ، از نگاه بیرونی و خارج از متن آشنایی با آثار مؤلف کتاب عامل مهمی در شناخت و ارزیابی مطالب ارائه شده

کتاب توانسته است تا حدی این نیاز ضروری را بر آورده نماید. به سبب آنکه متأسفانه تاکنون درباره مزارات اصفهان کتاب و تحقیق جامع و کاملی صورت نگرفته است نگارش و چاپ کتاب تاریخ مزارات اصفهان تا حد بسیاری این نقیصه و ضعف را بر طرف نموده است.

نکته دوم درباره زمان نگارش و محتوای کتاب است. مرحوم مهدوی زمانی این کتاب را نگاشته است که خود از نزدیک بسیاری از مزارات را دیده و مشاهدات خود را ثبت نموده است و اکنون که بعد از گذشت چندین سال بسیاری از آن مزارات از بین رفته است مطالب این کتاب در خصوص آن مزارات بر اهمیت موضوع می افزاید. محدوده مطالب کتاب نیز درباره مزارات محدوده شهر اصفهان می باشد (چه مزاراتی که از بین رفته و چه مزاراتی که باقی مانده است)، به این لحاظ کتاب از ارزش و جایگاه علمی ویژه‌ای در بین کتب مزارپژوهی برخوردار است.

نکته سوم درباره ادبیات نگارشی کتاب است. مؤلف کوشیده است از به کار بردن واژه‌های ارزشی و احساسی در متن که بر اصل مطالب خدشه وارد خواهد نمود، دوری نماید، زیرا اساس یک تحقیق علمی مبنی بر بی طرفی و عدالت در نگارش موضوع است.

نکته چهارم که از ویژگی‌های برجسته کتاب است آنکه این اثر در نوع خود سابقه نداشته و تکراری نبوده است و در جای خود در بحث مزارات شهر اصفهان به جرات می توان آن را اولین کتاب مستقل در این باره محسوب نمود، هر چند همیشه بر اولین اثر در هر موضوع معایب و انتقادات بسیار وارد است، از جمله در بحث جامعیت این کتاب سخن بسیار است که در ادامه مقاله به آنها اشاره خواهد شد.

نکته پنجم منابع مورد استفاده مؤلف در نگارش کتاب است. تقریباً تمامی مطالب نقل شده در این کتاب از کتب رجالی به خصوص کتب طبقات اعیان الشیعه و تراجم می باشد. البته این ویژگی در سایر آثار مؤلف نیز مشاهده می شود.

نکته ششم نثر مؤلف در نگارش اثر است. نثر کتاب ساده و روان است و مؤلف کوشیده است با متنی به دور از هرگونه پیچیدگی و ابهام مطالب را صریح و روشن در اختیار خواننده قرار دهد. این مورد از ویژگی‌های مثبت کتاب است که خوانندگان این کتاب را روز به روز می افزاید و مجذوب نثر روان و شیرین آن می کند.

مطلب آخر در بررسی محتوای کتاب، دیدگاه مؤلف در نگارش آن است. از متن کتاب و موضوع آن می توان به روشنی دریافت که کتابی مذهبی و با توجه به نیاز درونی شهر اصفهان است و مؤلف کوشیده است به سؤالات و ابهامات بسیاری که در

باب مزارات اصفهان و رجال مذهبی مدفون در این شهر است، پاسخ دهد. به لحاظ کمیت مطالب ارائه شده نیز کتاب از حجم و مطلب زیادی برخوردار است و نشان از دقت و کار فراوان مؤلف در جمع آوری و تنظیم مطالب است.

به عنوان نتیجه گیری کلی از این کتاب، ذکر این نکته ضروری است که مطالعه این کتاب به ویژه برای افرادی که درباره مزارپژوهی تحقیق می کنند سؤالات و پرسش های فراوانی را ایجاد می کند و زمینه و مقدمه ای را فراهم می آورد تا به تحقیقات گسترده و دقیق تر درباره این موضوع بپردازند.

#### اهمیت کتاب های مزارپژوهی

مزار به معنای مکان زیارت و دیندار است و توجه به آن نشان دهنده اهمیتی است که فرهنگ ما نسبت به درگذشتگان داشته و دارد. برخی از نویسندگان به تدوین کتاب هایی در شناسایی و معرفی مزارها و صاحبان معروف آنها اقدام نموده اند.

مهم ترین انگیزه ای که مؤلفان را به تألیف چنین کتاب هایی برمی انگیزخته این بود که چون برخی از شهرهای بزرگ محل تمرکز کانون های فرهنگی و علمی بوده، اغلب بسیاری از چهره های شاخص را جمع می کرده است و هنگامی که آنان از دنیا می رفتند مقابرشان مورد احترام عامه مردم واقع می شد و چون با گذشت زمان، امکان شناسایی دقیق مزار آنها دشوار می شد برخی از اهل فضل با نوشتن کتاب هایی موسوم به مزارات سعی می کردند نشان و اسامی مقابر هر یک از بزرگان مزبور در شهر را یادآور کنند تا زیارت قبور آنان احیا شود.

بنابر این اکنون کتاب هایی درباره تاریخ مزارات شهرهای مختلف در اختیار داریم که علاوه بر ارائه نشانی قبور رجال، دانشمندان، اهل سیاست و کمال یک شهر بسیاری از اخبار و روایات و اطلاعات درباره حیات فرهنگی و اجتماعی و مذهبی آن شهر ارائه می دهد که در نوع خود مغتنم و ارزشمند است.

شاید بتوان کتب مزارات را در کنار تاریخ شهرها در شمار تاریخ های محلی، تذکره ها و وفیات دانست. کتاب هایی مانند تذکره الاولیاء نگارش محرایی در خصوص مزارات کرمان،

کتاب به ارزش علمی آن پی خواهد برد. پذیرش قابل توجهی که از این کتاب صورت گرفته ناشی از سال‌ها کوشش و تتبع مؤلف در جمع مطالب مفید در این اثر است. خواننده با مطالعه به حس حق شناسی مؤلف نسبت به علما و بزرگانی که به فرهنگ اصفهان خدمت نموده اند پی می‌برد.

کتاب در وهله اول امکان شناسایی نخبگان فرهنگی شهر اصفهان در بین شهرهای ایران را فراهم می‌آورد. مهدوی در ابتدای کتاب از بی‌اهمیت‌های که نسبت به مزارات بزرگان صورت گرفته انتقاد می‌کند و سپس گورستان‌های اصفهان را به سه دسته کاملاً از بین رفته، تصرف شده و در حال از بین رفتن و مزارات باقی مانده تقسیم می‌کند. پس از آن به ذکر نمونه‌هایی از هر یک از این دسته‌ها می‌پردازد.

کتاب در فهرستی الفبایی هشتاد گورستان شهر اصفهان را یاد کرده. سپس به موقعیت هر یک و مختصری از تاریخ بنا و سیر تاریخی و مدفونان آنها و منسوبان به آن محل اشاره می‌کند و در برخی مواضع به مزارات خارج از اصفهان نیز می‌پردازد.

گرچه برخی از مطالب این کتاب را در سایر کتب مهدوی نیز می‌توان مشاهده نمود، ولی مطالب نو و بدیع در این کتاب بسیار است و اطلاعات ارزشمندی درباره تاریخ اصفهان به دست می‌دهد. از همه مهم‌تر آنکه مؤلف در گردآوری مطالبش از منابع و مآخذ معتبر استفاده نموده است. این امر از یک سو اعتبار و مستند بودن مطالب کتاب را بیش از پیش می‌افزاید و از سوی دیگر نشان از تسلط و احاطه مؤلف بر منابع تاریخی است.

با این حال با مطالعه کتاب برخی تذکرات به تحقیق مؤلف و مصحح وارد است که می‌باید به آن توجه کرد.

#### ملاحظات و تذکر به مطالب مؤلف

کتاب مزارات از آن جهت اهمیت فراوانی در تاریخ اصفهان دارد که در آن کوشش شده است تا بسیاری از مزارات از بین رفته، چه در گذشته و چه در حال ثبت و حفظ شود. با این حال ذکر چند نکته بجاست:

اول: مؤلف در صفحه سی نوشته است که قدیمی‌ترین قبرستان اصفهان آب بخشان است. این مطلب باید اصلاح شود، زیرا که قبر منسوب به یوشع نبی (علیه السلام) شیعیبی پیامبر علیه السلام در خیابان هاتف قدیمی‌ترین مزارات اصفهان است و به قبل از اسلام مربوط می‌باشد و قبرستان آب بخشان به اوایل دوره اسلامی متعلق است.

دوم: در برخی مطالب کتاب، گسستگی و پراکندگی مشاهده

مقصود الاقبال سلطانیه (مزارات هرات)، تذکره القبور (مزارات اصفهان)، تاریخ ملازاده (مزارات بخارا)، قندیه و سمریه (تاریخ مزارات سمرقند)، روضات الجنان و جنات الجنان (مزارات تبریز) از نام آورترین این گونه آثار هستند.

مقصود از تألیف کتاب‌های مزاریه و بازگفت شرح حال و مناقب شخص مدفون در مکان معلوم و اطلاع دادن به زائران این بود که آن بزرگواران در این مکان حضور داشتند یا اعتکاف می‌نموده‌اند. در واقع راهنمایی زائران و شناساندن قبور امامان و اولیای صالح آنان مهم‌ترین انگیزه در نگارش این کتب بوده است. بنابراین توجه به آثار و نوشته‌های مربوط به مزارات نشان از اهمیت است که در فرهنگ عمومی آن قوم نسبت به درگذشتگان وجود داشته و دارد.

انتشار کتاب‌های مزارات در دوران ما نیز از این جهت مهم است که باعث می‌شود مزار نام‌آوران گذشته در معرض فراموشی و غفلت قرار نگیرند و به این ترتیب حفظ مزارات سبب حفظ هویت و فرهنگ آن قوم می‌شود. از این رهگذر بررسی مزارات هر شهر، اهمیت و برجستگی خود را نشان می‌دهد و کتاب‌هایی که در این باره نگاشته شده است ارزش و مزیت خود را به دست می‌آورد، زیرا آنها سند و مدرکی می‌شود که نام و یاد متوفیان را احیا می‌کند. کتاب تاریخ مزارات اصفهان نیز یکی از این گونه آثار ارزشمند است که مجموعه نفیسی از نام بسیاری از فرزندانگاز یاد رفته اصفهان را زنده می‌کند و ضرورت حفظ نشانه‌ای از آن بزرگمردان را بر ما گوشزد می‌نماید.

#### معرفی کتاب

تاریخ مزارات اصفهان تألیف دانشمند گرانمایه و محقق فرزانه، سید مصلح الدین مهدوی از جمله کتب ارزشمندی است که در زمستان سال ۸۲ به همت آقای دکتر منتظر القائم تصحیح و با تعلیقاتی بر آن به چاپ رسید و همانند سایر کتاب‌های ارزشمند مهدوی توانسته است جایگاه شایسته خود را در شمار مآخذ تاریخی و تراجم به دست آورد و به عنوان یکی از کارهای پژوهشی برجسته در تاریخ محلی به شمار آید. خواننده با مطالعه

می شود، مثلاً توضیحات درباره مزار شیخ ابو مسعود رازی (ص ۸۱) را می توانست در همان قسمت مدفونان مزار آب بخشان ذکر کند، در حالی که در قسمت جداگانه به هر یک اشاره کرده است و این موجب می شود که برخی گمان کنند این دو مزار از همدیگر جدا بوده اند. این نکته درباره مقبره آقای نجفی نیز که یک بار به طور مفصل در ذیل مدفونان امامزاده احمد و بار دیگر به طور جداگانه در موضوع دیگری آورده است صادق است (ص ۹۵ و ۹۶) یا درباره مزار زینبیه یک بار در صفحه ۹۷ و یک بار در مدفونان آن در صفحه ۲۳۰-۲۴۰.

سوم: به نظر می رسد برخی مطالب کتاب یا اشتباه است یا اصلاً مربوط به مزار دیگری است، مثلاً توضیحی که مؤلف درباره مزار استراخاتون در پیر بکران می دهد اساساً مربوط به این مزار نیست و مربوط به استرا مرد خای در دوره هخامنشی است که در همدان قرار دارد. جالب آنکه مصحح نیز متوجه این اشتباه نشده و به آن اشاره نکرده است.

چهارم: مستند بودن مطالب و دقت نظر مؤلف در استفاده از کتب تاریخی و تذکره ها و کتب رجالی همچون ذکر اخبار اصفهان حافظ ابونعیم، محاسن اصفهان ما فروخی، مجمع التواریخ میرزا محمد خلیل مرعشی صفوی، تذکره نصر آبادی، آتشکده آذر، مکارم الاکار معلم حبیب آبادی، طبقات اعلام الشیعه و الذریعه شیخ آقا بزرگ طهرانی و بسیاری منابع دیگر جایگاه خاصی در بین کتاب مزارات به این کتاب بخشیده است.

تلاش مؤلف در بررسی ارتباط صاحبان قبور و سلسله نسب خاندانی آنها دارای اهمیت است. روش وی در ارائه مطالب نیز متفاوت است، گاه استنادات وی بر اساس اخبار منابع است و گاه روایت های مختلف درباره یک موضوع را جمع آوری کرده و دیدگاه و تحلیل شخصی خود را درباره آن آورده است که نشان دهنده احاطه وی بر منابع تاریخی است.

پنجم: انتقاد اساسی بر این کتاب آن است که در تحقیق مذکور باید به تمامی مزارات اصفهان اشاره می شد، ولی با مطالعه کتاب به نظر می رسد که مؤلف قصد نداشته است که از مقابر بزرگان، علما، محدثان، ادیبان، شاعران، فیلسوفان و سایر مشاهیر علمی و ادبی خارج از شهر اصفهان سخن گوید. با این حال بنا به ضرورت به برخی مزارات شهرهای لنجان و برخوار، شهرضا، اردستان اشاره می کند. به این ترتیب اشاره به برخی از مزارات خارج از شهر اصفهان و عدم اشاره به بسیاری دیگر از مزارات خارج از آن (مانند مزارات خمینی شهر یا نجف آباد) را می توان ضمنی بر مطالب کتاب دانست که سبب ناهماهنگی مطالب آن گردیده است.

ششم: مؤلف ضمن یادآوری مدفونان محله های مختلف اصفهان به علما و بزرگان منسوب به آن محله هم اشاره ای می کند که بر غنای مطالب کتاب بسی افزوده است. در واقع یک رجال شناسی ارزشمند از وی در این کتاب شاهد هستیم. به عنوان نمونه با ذکر مزار سده مارین، تاریخچه این قسمت از اصفهان، علمای مدفون در آن و بزرگان منسوب به آن قسمت (ص ۲۵۵-۲۵۸)، علما و شعرا منسوب به محله لبنان و مدفونان در آن (ص ۱۶۳-۱۶۶)، ذکر علما و شعرا منسوب به محله پیدآباد و مزارات موجود در آن (ص ۲۰۲-۲۰۶)، ذکر محله سنبلستان و مدفونین در آن (ص ۲۶۲-۲۵۹) و بسیاری از علمای منسوب به محلات دیگر در این کتاب آمده است.

مهم تر آنکه در خلال مطالب خود درباره شخصیت های مدفون در مزارات از آثار و تالیفات آنان نیز سخنی به میان آورده است. علاوه بر آن به ارائه مطالب ارزشمندی درباره خاندان های علمی و مذهبی معتبر اصفهان نیز پرداخته که نمونه آن در مواضع متعددی از کتاب مشاهده می شود از جمله ذکر خاندان آل ترکه (ص ۶۱-۶۴)، خاندان جزائری (ص ۱۲۶)، خاندان مظاهری (ص ۱۲۷)، علمای بزرگ محلات اصفهان مانند محله جورجیر (ص ۱۶۵)، محله لبنان (ص ۶۰) و علمای بزرگ دیگر.

با این حال در این مورد نیز گفتنی است که مدفن علمای منسوب به هر محله برای آگاهی خواننده کتاب ذکر نشده است تا از محل دفن آنها مطلع باشد و این نکته ای است که شخص با مطالعه کتاب به این امر واقف می شود. به این ترتیب کتاب در شناخت رجال و ذکر منابع پیرامون آنان بسیار محققانه عمل کرده است و شخص با مطالعه کتاب به این حقیقت اذعان خواهد نمود.

هفتم: از ناهماهنگی های دیگر کتاب آنکه در بعضی قسمت های آن مطالبی کاملاً جامع و کامل آورده شده و گویی رساله ای در داخل یک کتاب است، مانند مقبره صاحب بن عباد که با ذکر مدفن وی شروع می کند و به نظریات نویسندگان در مقام علمی وی، تالیفات، شاگردان، اعتقادات، خدمات و سایر مطالب دیگر راجع به وی ختم می نماید یا در ذکر مقبره دارالبطیخ (مدفن خواجه نظام الملک) توضیحات مفصلی را

می خورد بر یزید لعنت می فرستاد. سنایی می گوید:

داستان پسر هند مگر نشیندی  
 که از او و سه کس او به پیمبر چه رسید  
 پدر او دندان پیمبر بشکست  
 مادر او جگر عم پیمبر بمکید  
 او به ناحق، حق داماد پیمبر بگرفت  
 پسر او سر فرزند پیمبر ببرید  
 بر چنین قوم تو لعنت نکنی، شرمت باد  
 لعن الله یزیداً و علی آل یزید (ص ۲۹۶ و ۲۸۷)

نهم: از نکات بارز این کتاب این است که مؤلف بر مشاهدات شخصی خود از مزارات اصفهان تأکید می کند در حالی که بسیاری از محققان از دیدن مزارات غفلت می کنند. با این حال چنان که قبلاً هم اشاره شد مزارات دیگری نیز بوده که مؤلف آنها را مشاهده نکرده است و با آشنایی با مزارات اصفهان می توان به این نکته پی برد، برای مثال از امامزاده سید احمدیان در خیابان ولیعصر (عج) جنب مسجد مورتاباد که مزاری معتبر است اصلاً بحث نکرده است.

کلام آخر آنکه تماشای یک قبرستان نه فقط جنبه عبرت و تأثر دارد، بلکه گاه مایه الهام مورخ نیز است. تمام این گونه آثار گذشته مدارک مادی تاریخ می باشند و در خاطر کسانی که ذوق و وجدان تاریخی دارند اثر می گذارند، زیرا هر سنگ قبر یک سند تاریخی کامل است.

نکته این است که مشاهده قبرستان و سنگ قبور احساس گذشته را در انسان بر می انگیزد و انسان را به قلمرو تاریخ می کشاند (زرین کوب، تاریخ در ترازو، ص ۲۱). با این دیدگاه کتاب مذکور تنها بیان درگذشت اشخاص نیست، بلکه به طور اجمالی یک دوره تاریخ اصفهان در پیش روی خواننده قرار داده است. علاوه بر این هنگام ارائه آگاهی در خصوص صاحبان قبور برخی اصلاحات و آگاهی ها به دست می دهد که برای بررسی تاریخ نهادها و حیات اجتماعی جامعه بسیار مهم به شمار می روند. با مطالعه کتاب هم به قدرت احاطه و میزان تحقیق مؤلف در تاریخ و علم رجال می توان پی برد و هم به اهمیت و جایگاه مشاهده در علم تاریخ و نقشی که مؤلف در این زمینه در کتاب مزارش به کار برده است.

#### ملاحظات و تذکر به اقدام مصحح

هدف هر تصحیح رفع ناهماهنگی های مطالب کتاب و برطرف کردن ابهامات و ارائه اطلاعاتی افزون بر مطالب آن کتاب است. تصحیح و آماده سازی متن این کتاب نیز نشان از آن دارد

آورده است (ص ۱۸۳ - ۲۰۱) و حال آنکه به سایر مزارات و بزرگان مدفون در آنها گذرا و مختصر اشاره نموده، در حالی که توضیح بیشتری درباره آنها لازم است.

هشتم: از مزیت های این کتاب توجه به مسئله عبرت آموزی از مطالب تاریخی است. مؤلف کوشیده است با ذکر نکات ظریف و بدیع و ارزشمند، کتابی پر محتوا و آموزنده برای خواننده ارائه کند. علاوه بر این با مطالعه حکایات کتاب می توان به روحیه و شخصیت مؤلف نیز پی برد. برای نمونه به چند مورد اشاره می شود:

۱. گویند ابن مسعود رازی به اصفهان وارد شد از ظهر قلب صد هزار حدیث املا کرد. چون کتبش به او رسید با آنها مقابله کرد، سقط از او واقع نشده بود مگر در متن دو حدیث (ص ۸۱ و ۸۲).

۲. مؤلف در خصوص بازسازی مقبره زینبیه نوشته است که آیه الله حاج میر سید علی نجف آبادی فرمود کسانی که میخواهند در این مقبره شمع روشن کنند لازم است که پول آن را آجر تهیه نمایند و با خود به مقبره علیا جناب زینب خاتون ببرند. با دستور وی پس از مدت اندکی، مقدار زیادی مصالح ساختمانی فراهم شد و صرف تعمیرات صحن و بقعه گردید (ص ۲۳۳).

۳. در اهمیت سقایت و آبرسانی در کتاب های حدیث روایات فراوانی درباره پاداش آب دادن به تشنگان و سیراب کردن آنها وارد شده است از جمله پیامبر اکرم (ص) می فرماید کسی که مؤمن تشنه ای را سیراب کند، خداوند او را از شراب بهشتی سیراب گرداند.

نویسنده در ادامه می افزاید: نخستین سقاخانه در اسلام بعد از واقعه کربلا احداث شد. یزید پلید را به خاطر رسید که به سبب کفاره قتل حضرت امام حسین (ع) آب انبار و برکه ای بسازد که مردم از آن آب بنوشند تا سبب تخفیف در عذاب او شود و امید آن داشت که خدای تعالی از تقصیرش گذرد. چون آب برکه تمام شد، اول بار فرشته ای آمد و از آن حوض آب خورد و بر یزید لعنت فرستاد به گونه ای که تمام اهالی شام و خود آن ملعون آن ندای غیبی را شنیدند. از آن به بعد هر که از آن آب

که مصحح کوشیده است که با دقت این امر مهم را انجام دهد، زیرا درج یک تاریخ اشتباه چه از روی ناآگاهی یا به سبب اشتباه چاپی چه بسا موجبات گمراهی یا نقص یک پژوهش را می‌تواند همراه داشته باشد. البته چنین موارد در این کتاب بسیار کم اتفاق افتاده است.

اقدامات مصحح در دو محور کاستی‌ها و مزایا قابل بررسی است. نخست در بحث کاستی‌ها:

اول: اولین و مهم‌ترین اشکالی که بر اقدام مصحح می‌توان مطرح کرد، ارائه نکردن حواشی مطالب و عدم ارجاع به دیگر نوشته‌های مؤلف بوده است. مصحح باید مطالب خلاصه و گاه ناقص مؤلف را تکمیل می‌کرد و بر غنای کتاب می‌افزود. در ذیل به ذکر چند مورد اکتفا می‌شود:

۱. در همان ابتدای کتاب که مؤلف از نقش اصفهان در تاریخ معاصر ایران سخن می‌گوید، مؤلف توضیح بیشتری نداده و منابعی برای مطالعه بیشتر ذکر نکرده است. لازم بود که مصحح مطلب توضیحی بیشتری بر آن می‌افزود یا با ارجاع به کتاب‌ها و منابع دیگر خواننده را در آن موضوع آگاه‌تر می‌نمود، مثلاً درباره قیام تنباکو در اصفهان (ص ۱۷) که مؤلف خود مقاله‌ای نیز در این زمینه نگاشته است، ولی در این کتاب به آن ارجاع نداده است. مصحح نیز به این نکته اشاره‌ای نکرده است یا درباره چگونگی شروع انقلاب در اصفهان ذکر منابع بیشتر برای راهنمایی خواننده ضروری است.

۲. درباره سنگ مزار پوش نی (ع) و مکان دفن وی که مؤلف در صفحه ۲۱ ذکر کرده است، هم مؤلف و هم مصحح به این نکته مهم اشاره ننموده‌اند که مزار این شخصیت در اصفهان نیست و آن حضرت در فلسطین مدفون است. این شخصیتی که در اینجا دفن شده است کیست یا آنکه پوش نی در چه دوره‌ای می‌زیسته است؟

۳. از انتقادات اساسی بر این کتاب و یکی از مهم‌ترین ضعف‌های آن عدم ارائه کتاب‌شناسی درباره رجال و مدفونان در مزارات است، به طوری که در صفحات متعدد کتاب ارجاعات به منابع در مورد شخصیت‌ها بسیار ضروری است، در صورتی که این مهم درباره برخی شخصیت‌ها خیلی ناقص و در برخی موارد اصلاً صورت نگرفته است.

هوم: خیلی از مزاراتی که مؤلف در زمان‌های گذشته بررسی کرده است، اکنون مصحح باید وضعیت فعلی آنها را مشخص و توضیح می‌داد، برای مثال درباره مزار کیلان توضیح داده نشده است یا درباره قبرستان سر قبر آقا (ص ۵۴) گفته نشده است که

آیا چیزی از آن موجود است یا نه یا درباره قبر آذر بیگدلی تحقیق نشده است که آیا در قم است یا در اصفهان (ص ۴۵).

سوم: تصحیح و تعلیقات درباره اشخاص ذیل به توضیحات بیشتری نیاز است که باید به آن اضافه شود:

۱. در مورد علمای خاندان امام جمعه می‌توان اطلاعات بیشتری یادآور شد، ولی این اقدام صورت نگرفته است.

۲. از مرحوم محمد باقر الفت (ص ۵۵) آثار دیگری بعد از فوت مؤلف چاپ شده است که باید در شرح حال وی اشاره می‌شد.

۳. شرح حال آقا نجفی (ص ۵۵) به توضیح بیشتر یا ذکر منبع دیگر نیاز داشت.

۴. درباره سادات بهشتی (ص ۶۰) ضروری است که بهتر و جامع‌تر توضیح داده شود.

۵. در ذکر علمای منسوب به محلات اصفهان که مدفن بسیاری از این علما در مزارات اصفهان موجود است، به مکان دفن اشاره نشده است، برای مثال به مدفن عباسعلی خرم‌لبانی که در مزار تخت فولاد تکیه علامه محمدباقر چهار سوقی می‌باشد اشاره‌ای نشده است (صفحه ۵۹) یا به قبر آقا حسین لبانی (ص ۶۰) که در بقعه صاحب‌روضات مدفون است. در ذکر اقدامات حاج محمدابراهیم ملک‌التجار به تمامی کارهای خیریه او مانند ایجاد تکیه و آرامگاهی برای عالم فاضل ملا محمد کاشانی (آخوندکاشی) نیامده است (ص ۷۲) یا آن که در مدفونان مزار آب بخشان هم مؤلف و هم مصحح به مدفن ملا عباس ایروانی (از عرفای عصر قاجاری) اشاره‌ای ننموده‌اند.

۶. در صفحه ۶۸ بهتر است اشاره شود که فرزند شیخ محمدحسین طریحی در تخت فولاد مدفون است.

۷. در همان صفحه نیکوتر بود که درباره خاندان کلباسی به کتاب‌هایی که راجع به آنها نوشته شده است ارجاع داده می‌شد.

۸. در صفحه ۷۳ این مطلب مهم است که آیا قبر ابوالفتح متخب‌الدین هنوز موجود است یا نه، اگر موجود است بهتر است عکس آن آورده شود.

مدفون هستند که بهتر بود به آنها اشاره می شد.  
 ۲۳. در صفحه ۲۳۸ تعداد بیشتری از بزرگان در این مکان مدفون می باشند که بهتر است نام و شرح حال آنها آورده می شد.

۲۴. در صفحه ۲۳۸ درباره مقبره سادات مسجد حکیم توضیح بیشتری ضروری است و قبور آنها باید دیده شود.

۲۵. در صفحه ۲۵۸ برای علمای شهرضا مطالب بیشتری نیاز است یا آنکه باید به کتاب دیگری برای مطالعه بیشتر ارجاع داده می شد.

۲۶. در صفحه ۳۴۲ تعداد دیگری از بزرگان در مسجد نصرآباد مدفون هستند که لازم است شرح حال آنها آورده شود. اگر کتاب با دقت و احاطه بیشتری مطالعه شود به یقین تذکرات دیگری نیز به نظر خواننده خواهد رسید.

چهارم: از جهت ویراستاری و رسم الخط نیز می بایست از کاربرد برخی لغات و جملات که به سبک قدیم است و در این کتاب ذکر شده به رسم الخط امروزی نوشته می شد، برای مثال در صفحه ۲۲۰ کلمه «روشنداشت» ذکر شده است و به رسم الخط امروزی «روشن دشت» صحیح است یا مولینا صوفی ذکر شده که «مولانا صوفی» درست می باشد یا شعر میرزا داود بن میرزا عبدالله بن شفیح حسینی مرعشی چنین ضبط شده: «بجزه لایبتجری کند حکیم اقرار ...» حال آنکه صحیح این عبارت این گونه است: «بجزه لایبتجری کند حکیم اقرار ...». مؤلف و مصحح متذکر این نکته نشده اند (ص ۲۴۹).

حال به مزایای تعلیقات و تصحیح ارزشمند این کتاب می پردازیم:

اول: تعلیقات ارزشمندی که بر کتاب نوشته است نباید از نظر دور داشت. جای جای کتاب حاوی تعلیقات مفیدی است مصحح بر کتاب نگاشته و بر غنای مطالب آن افزوده است. در این باره اقداماتی که مصحح بر کتاب انجام داده، به شرح ذیل است:

۱. ارائه مطالب و توضیحات تکمیلی در خصوص شرح حال مدفونانی که مؤلف فقط از آنها نام برده است، همچنین با ذکر منبع و سند رساله های برخی از مدفونان را که در کتابخانه ها و مجموعه های شخصی هنوز موجود است آورده است، برای نمونه نسخه های خطی صدر هاشمی که مصحح مکان آن را ذکر کرده است (ص ۲۹)، شرح حال آیه الله میرجهانی در بقعه سر قبر آخوند (ص ۳۵)، شرح حال آیات عظام حاج شیخ حسن صافی اصفهانی، میر سید حسن مدرس هاشمی، حاج سید

۹. در صفحه ۹۸ مهدوی به کتابی اشاره می کند که یک سال بعد از فوتش چاپ شد و مصحح به آن اشاره نکرده است.

۱۰. در صفحه ۹۸ بهتر است عکس مقبره اذیران یا امامزاده ابراهیم را بیاورد.

۱۱. در صفحه ۹۹ نه توضیحی درباره مزار استراخاتون ارائه کرده و نه عکسی از این مزار تاریخی را چاپ کرده است. بسیار بجا بود که توضیح و عکسی در این باره آورده می شد.

۱۲. در صفحه ۱۰۰ از عرفای گمنام اصفهان شخصی چون «بابا علی عسگر» در خیابان شیخ صدوق مدفون است که مؤلف به مزار وی اشاره نکرده است و بهتر بود مصحح این نکته را اضافه می نمود.

۱۳. در صفحه ۱۰۱ تحقیق می شد که آیا کتاب تفسیر الاصفی از مرحوم فیض است یا نه؟

۱۴. در چند سال اخیر بزرگان دیگری در باغ رضوان دفن شده اند، لازم است که به صفحه ۱۱۶ کتاب اضافه شود.

۱۵. در صفحه ۱۴۴ بزرگان دیگری نیز در این مکان مدفون هستند از جمله منصوره زاده.

۱۶. در صفحه ۱۵۱ بهتر بود اشاره شود که قبر وی به تخت فولاد منتقل شده است.

۱۷. در صفحه ۱۵۵ احتمالاً در پیر بکران برجستانگان دیگری مدفون می باشند که لازم است تحقیق شود.

۱۸. در صفحه ۱۵۶ تحقیق نشده که هنوز قبر موجود است یا از بین رفته است، اگر هست نشانی قبر ارائه شود.

۱۹. در صفحه ۱۵۸ آیا در جمعفریه کسی از بزرگان مدفون است؟ بهتر است تمام امامزاده ها و قبرستان های موجود در داخل شهر اصفهان را که مهدوی ذکر نکرده است، مصحح می افزود، مثل قبرستانی که در محله لادان است.

۲۰. در صفحه ۱۶۲ در قبرستان حبیب آباد بزرگان دیگری نیز مدفون هستند و لازم است شناسایی و ذکر شود.

۲۱. در صفحه ۲۱۱ تحقیق شود در طی چند سال اخیر آیا بزرگان دیگری در درب امام دفن شده اند؟

۲۲. در صفحه ۲۲۴ از علمای زفره تعداد بسیاری آنجا

توضیح بیشتر ضروری به نظر می‌رسد.

دوم: از جمله اقدامات مصحح، طرح، بررسی و گاه نقد برخی مطالب کتاب درباره محل قبر و مزار برخی بزرگان است، چنان‌که در بعضی مواضع، مصحح در اصلاح مطالب منابع مؤلف و تذکر برخی از آنها کوشیده است، برای نمونه در ذکر مدفن ابوعلی سینا مصحح به تصحیح و توضیح بیشتر سخن مؤلف با استناد به منابع موجود پرداخته است (ص ۷۶) یا توضیح راجع به علامه مولا محمدباقر سبزواری (ص ۱۲۷) یا تذکر درباره مزار پیر بکران (ص ۱۵۵).

سوم: از اقدامات بسیار ارزنده مصحح که دسترسی به مطالب کتاب را سهل و آسان نموده است تهیه فهرست اعلام در پایان کتاب می‌باشد. در بیشتر کتب رجالی از پرداختن به این مهم غفلت شده است و فقدان فهرست اعلام امکان استفاده از تمامی مطالب کتاب را دشوار کرده و این نقیصه عمده‌ای است که به کتب رجالی وارد است. در صورتی که اعلام دقیق و منظم این کتاب سبب گردیده تا خواننده بتواند به سهولت به مدخل مورد نظر در متن کتاب دست یابد. این ویژگی یکی از مزایای مهم این کتاب محسوب می‌گردد. هر چند این انتقاد وارد است که اعلام نویسی کتاب به سبک قدیم است و با اعلام نویسی جدید منطبق نیست و رویه سابق مورد پسند نمی‌باشد.

چهارم: اقدام دیگر مصحح در این کتاب انضمام بخش گلستان شهدای اصفهان به کتاب مزارات مرحوم مهدوی است. در واقع مطالب این قسمت از کتاب به طور مستقل از اثر مؤلف، به دست مصحح به این کتاب افزوده شده است و جای آن داشته که به صورت یک کتاب و رساله جداگانه چاپ شود<sup>۱</sup>. به این ترتیب با ارائه مطالب تکمیلی راجع به مزارات اصفهان، این کتاب در بین مزارپژوهی اثری شایسته توجه برای جامعه علمی و مردم اصفهان گردیده است.



ضیاءالدین علامه، حاج سید اسماعیل هاشمی طالخنوچه‌ای (ص ۲۲-۲۴) و بسیاری از تعلیقات دیگر.

این اقدام مصحح باعث گردیده است که مطالب کتاب تازه و به روز باشد، به این معنا که مصحح اسامی علمای متوفی را که بعد از درگذشت مؤلف (در سال ۱۳۷۴ ش) در مزارات اصفهان دفن شده‌اند به این کتاب افزوده و اطلاعات ارزشمندی را در اختیار خواننده قرار داده است.

۲. از همین پژوهش مصحح به اقدام ارزشمند دیگری می‌توان آگاه گردید و آن عبارت است از شیوه مشاهده علمی از مزارات اصفهان و نشان دادن مکان دفن علمای اصفهان که در چند سال اخیر از دنیا رفته‌اند، اقدامی که مؤلف نیز در این اثر خویش انجام داده مصحح آن را تکمیل کرده است. علاوه بر مثال‌های فوق نمونه این موارد را در مواضع گوناگون کتاب می‌توان مشاهده نمود. در همین حال این انتقاد وجود دارد که هنوز مزاراتی وجود دارد که مصحح نیز آنها را مشاهده ننموده است، برای مثال مؤلف از قبرستان زفره حبیب آباد سخن گفته، در صورتی که از قبرستان‌های خمینی شهر و نجف آباد بحث ننموده است.

۳. یکی از اقدامات مصحح تهیه و ارائه عکس‌هایی از مزارات اصفهان در بخش آخر کتاب است. این امر نشان می‌دهد که مصحح از مزارات مشاهده علمی داشته است و چنین کاری بر ارزش و اهمیت مطالب این کتاب بسی افزوده است. با این حال ضعف مهم نیز در این قسمت مشاهده می‌شود و آن فقدان عکس‌های تاریخی از مزارات اصفهان است که در برخی از کتب و منابع وجود دارد و در این کتاب آورده نشده است.

۴. در برخی مواضع کتاب سخن مؤلف ناتمام مانده است، مصحح با رجوع به منابع برای تکمیل مطالب مؤلف کوشیده است، همچون ارائه توضیحات راجع به مقبره آذر بیگدلی (ص ۴۵) یا آیه‌الله دکتر بهشتی (ص ۶۰). با این وجود همین رویه را می‌باید موارد دیگر نیز اعمال می‌کرد که این نکته به طور کامل رعایت نشده است، زیرا که در مورد برخی از مطالب نیاز به

۱. این اقدام به دست مصحح صورت گرفته و ایشان کتابی در این زمینه تحت عنوان «بزمگاه دلبران» (تاریخچه گلستان شهدای اصفهان) به چاپ رسانده است، برای اطلاع بیشتر ر. ک: اصغر منتظر قاسم، بزمگاه دلبران، چاپ اول، کانون پژوهش، ۱۳۸۳.